

نقش و جایگاه صدیق در جماعت حسیدی

ارسطو میرانی*

چکیده

حسیدیسم، آخرین جنبش عرفانی در تاریخ یهودیت است که در نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی ظهور و گسترش یافت. صدیق، محور و کانون جماعت حسیدی، و بارزترین وجه تمایز عرفان حسیدی از دیگر گرایش‌های عرفانی در فرهنگ یهود است. در عرفان حسیدی صدیق انسان کامل و واسطه بین خداوند و حسید یا مرید می‌باشد، به این معنا که برای گناهان مریدان خود شفاعت می‌کند، دعاها و عبادات آنها را به بارگاه خداوند انتقال می‌دهد و از سوی دیگر فیض و رحمت الهی نیز از طریق او به مریدان می‌رسد. پس صدیق پیر و رهبر است. البته رفتار و کردار او بیشتر از تعالیم و موعظه‌های او مورد توجه حسیدان است. صدیق از قداست فراوان و شخصیتی فره‌مند برخوردار است که نتیجه مقام معنوی و قرب او به بارگاه الوهی است، نه دانش او درباره تورات و شریعت.

کلید واژه‌ها

یهودیت، حسیدیسم، صدیق، حسید.

* . دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

در قرن هیجدهم میلادی گروه‌های دینی-عرفانی متعددی در میان یهودیان اروپای شرقی با آرمان حسیدوت، یا رعایت ملزومات یک حیات کاملاً دینی و پارسایانه شکل گرفتند. اما به تدریج بسیاری از آنها از میان رفتند و یا در گروهی که بعدها با نام «حسیدیسیم» مشهور شد، ادغام شدند. حسیدیسیم، آخرین جنبش عرفانی در تاریخ یهودیت است که در نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی در اروپای شرقی-لهستان و لیتوانی-ظهور کرد و با سرعت تمام گسترش و نفوذ یافت، چندان که تا دهه ۱۸۳۰ اکثریت یهودیان اکراین، گالیسیا، لهستان و لیتوانی و گروه‌های زیادی از یهودیان بلاروس و بلغارستان پیرو این نهضت شدند. حسیدیسیم به فلسطین نیز راه یافت و از دهه ۱۸۸۰ گروه‌های زیادی از حسیدیان به آمریکا نیز مهاجرت کردند. در هر حال، حسیدیسیم تاکنون به حیات خود ادامه داده و در میان یهودیان سراسر جهان گسترش یافته است.^۱

این جنبش از نظر عقیدتی دنباله‌رو مکتب قبالا است، اما تأکید چندانی بر آموزه‌ها و تعالیم نظری ندارد و کانون توجه آن عرفان عملی است. همواره در یهودیت سه راه برای رسیدن به آگاهی و معرفت درباره خداوند و ذات الهی متداول بوده است که عبارت‌اند از: عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی و وجودگرایی. از میان این سه شیوه، در تفکر حسیدی تجربه‌گرایی ارجحیت یافته است.^۲ در حقیقت اکثر صدیق‌های حسیدی میلی به بحث‌های کلامی و فلسفی نداشتند و آرمان «امونا تمیما»^۳، یعنی «ایمان ساده» را به مریدان خود توصیه می‌کردند.^۴ همچنین، حسیدیسیم بیشتر بر رابطه مستقیم با خداوند، و دریافت مواهب معنوی از او تأکید دارد تا داشتن دانش توراتی.^۵

بنیان‌گذار این نهضت عرفانی فردی به نام اسرئیل بن الیعاذر^۶ (۱۷۶۰-۱۷۰۰ م)،

1. Bowker, John (ed.), *The Oxford Dictionary of World Religions*, Oxford, Oxford University Press, 1997, p. 413.
2. Gilman, Neil, "Contemporary Jewish Theology", *Blackwell Companion to Judaism*, Neusner, Jacob and Alan J. Avery-Peck (eds.), Blackwell, 2000, p. 447.
3. Emuna Timima
4. Brown, Benjamin, "Orthodox Judaism", *ibid.*, p. 329.
5. Neusner, Jacob, *Judaism: An Introduction*, Penguin Books, 2002, p. 205
6. Yisra'el ben Eli' ezer

مشهور به بعل شم تو^۱ بود. او در شهر کوچکی به نام اوکوپای^۲ در جنوب اکراین به دنیا آمد و زندگی ساده و پارسایانه‌ای داشت. بعل شم بعد از طی دورانی طولانی خلوت‌گزینی در کوه‌ها، در سال ۱۸۳۸ به وعظ و تبلیغ درباره زندگی پارسایانه مورد نظر خویش در میان یهودیان پرداخت. او اهل وجد و سکر بود و در روایات حسیدی کرامات زیادی نیز به او نسبت داده شده است. در واقع، او اندکی بعد به عنوان شفا دهنده، دعانویس و بیرون‌کننده اجنه از جسم افراد و خانه‌ها شهرت یافت و به همین سبب، به «بعل شم تو» (یا کوتاه نوشت آن: بشت) یعنی دانای اسم اعظم، معروف شد، و آن اسمی بود که هر کس آن را می‌دانست، قدرت انجام هرکاری را پیدا می‌کرد. بعل شم مریدان زیادی را که زندگی را با تأمل و مراقبه می‌گذراندند، به دور خود گرد آورد. در میان این مریدان برخی از شخصیت‌های مهم در شریعت یهود و عرفان نظری قبلا مانند یعقوب یوسف پولونیایی^۳ و داو بائر مزیریچی^۴ نیز وجود داشتند.^۵

بشت عالم شریعت یهود نبود، اما با قبلا و سنت اخلاقی یهود به خوبی آشنایی داشت و در موعظه‌هایش بر دانسته‌های خود در این حوزه‌ها تکیه می‌کرد. او هدف غایی حیات دینی را دوقوت^۶ یا ارتباط معنوی و روحانی با خداوند می‌دانست. به نظر او شخص نه فقط در زمان دعا و عبادت، بلکه در جریان هر یک از فعالیت‌های عادی زندگی روزانه‌اش نیز می‌تواند به این حالت متعالی دست یابد. بشت هیچ تمایزی میان مقدس^۷ و نامقدس^۸ قائل نبود و بر این باور بود که نیت یا انگیزه باطنی می‌تواند حتی عادی‌ترین و دنیوی‌ترین کارهای شخص را به عبادت خداوند مبدل سازد. در واقع بشت نه بر سخت‌گیری‌های قبلا در باره تمرکز خاص در هنگام عبادت و مکاشفه عرفانی، و نه بر رعایت دقیق احکام شرعی یهود تأکید نمی‌کرد و در همه حال به یاد خدا بودن و انجام همه اعمال در راه خدا

-
1. Ba'al Shem Tov
 2. Okopy
 3. Ya'aqov Yosef of Polonnoye
 4. Dov Ber of Mezhirich
 5. Dan, Joseph, "Besht", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, vol. 2, p. 118.
 6. *devequt*
 7. holy
 8. profane

را برای تعالی و صعود روح به بارگاه الهی مناسب و کافی می‌دانست. همچنین او بر این باور بود که می‌توان شر را به منشأ و منبع اصلی‌اش در قلمرو الهی بازگرداند و با جهت‌دهی مجدد آن به سمت نیروی معنوی خیر، آن را تبدیل به خیر و خوبی کرد.^۱

بشت خود را در تماس مداوم با نیروهای الوهی می‌دانست و رهبری و اصلاح نسل خود را رسالت خویش می‌شمرد. او اعتقاد راسخ داشت که دعاهایش در قلمرو آسمانی ارج و نفوذ دارد و می‌تواند درهای آسمان را به روی دعا‌های دیگران نیز بگشاید. او همچنین بر این باور بود که در هر عصری انسان‌های پارسایی وجود دارند که همانند خود او، مسئولیت‌های معنوی خاصی را برای جماعت خود بر عهده می‌گیرند و همین ایده‌آو مبنای طرح و بسط آموزه صدیقیسم^۲، یعنی رهبری معنوی جماعت‌های حسیدی، و ظهور صدیقان در این جماعت‌ها به عنوان رهبر و مرکز ثقل آنها شد.^۳

نظریه صدیق تصور جدیدی از رهبری دینی را در فرهنگ یهودی به وجود آورد. رهبری که هم فرهمند بود و هم منزلت عرفانی و معنوی والایی داشت.^۴ در حقیقت وجه تمایز مهم مکتب عرفانی حسیدی از دیگر گرایش‌ها و نهضت‌های دینی یهودی پیش و معاصر خود، نقش مهم صدیق (پارسا مرد) در آن است، که هم در عمل و هم در نظر، مرز روشنی میان حسیدیسم و گرایش‌های غیرحسیدی ترسیم می‌کند.

هر چند بعل شم تو بنیانگذار جنبش حسیدیسم بود، اما نخستین مرکز یا جماعت حسیدی توسط داو بائر، مرید و جانشین بشت بنیان گذاشته شد. هنگامی که بشت درگذشت، گروهی نسبتاً کوچک از مریدان و دوستدارانی داشت که سازمان خاصی نداشتند.^۵ برخی نیز معتقدند که اگرچه خود او هرگز قصد تشکیل نهضت و جنبشی را نداشت، اما در هنگام مرگ او، در عمل نهضتی در میان علاقه‌مندان شکل گرفته بود.^۶ در

1. Dan, Joseph, p. 118.

2. Tsaddiqism, Zaddikism

3. Dan, Joseph, p. 118.

4. Dan, Joseph, "Hasidim: An Overview", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed), New York, Macmillan Publishing Co., 1995, vol. 6, p. 208.

5. Neusner, Jacob, p. 206.

6. Reters, F. E., *The Monotheists, Jews, Christians and Muslims in Conflict and Competition*, Princeton, Princeton University Press, 2003, vol. 2, p. 337.

هر حال، داو بائر موفق شد که خود را جانشین بشت معرفی کند و پیروان او را به صورت یک جنبش یا نهضت توده‌ای^۱ در آورد. داو بائر آغازگر نهاد درگاه^۲ صدیقی بود و مریدان برجسته خود را به جاهای دیگر فرستاد تا درگاه‌های دیگری در جاهای دیگر برپا کنند.^۳

شخصیت و فعالیت های اسرائیل بعل شم، و نظریه ها و سنت هایی که به نام او توسط پیروان و مریدانش بسط و گسترش یافت، الگوی رهبری حسیدیان گردید. رهبر حسیدی صدیق بود که شخصیت فره‌مندش به او بالاترین اقتدار را در جماعت حسیدیان می‌داد. اما از آنجا که صدیق بودن مزایای فراوانی چون اقتدار، محبوبیت و ثروت را نیز نصیب شخص می‌کرد، از همان آغاز این جایگاه مدعیان بسیاری پیدا کرد و بسیاری از مریدان شاخص هر صدیق، پس از مرگ او مدعی جانشینی اش می‌شدند. در هر حال، رهبر حسیدیان از جاذبه بسیار زیادی برخوردار بود و این جاذبه از طریق فعالیت‌ها و نمادهای گوناگون نمود پیدا می‌کرد. حسیدیان به رهبر خود ایمان داشتند، او را می‌ستودند و بی‌چون و چرا از او اطاعت می‌کردند.^۴ به همین دلیل، پس از مرگ داو بائر، جانشین بعل شم تو، تنش هایی در میان مدعیان جانشینی او بوجود آمد که در نهایت به تعدد صدیقان در یک زمان واحد انجامید. این تعدد صدیقان و اختلاف نظر آنها با یکدیگر باعث ظهور تفاوت و تنوع در شیوه عمل و رهبری صدیقان شد. با این همه نقش و رهبری صدیق در اساس یکی بود.^۵

از نخستین دستاوردهای حسیدیسم اولیه، تثبیت^۶ ساختار رهبری کارزماتیک جماعت ها بود.^۷ در آغاز اغلب پس از فوت هر صدیق، یکی از مریدان شاخص و برجسته وی جانشین او می‌شد، اما شیوه انتخاب موروثی جانشین صدیق از نسل سوم حسیدیان به بعد رواج یافت.^۸ از این زمان به بعد، یکی از خویشاوندان نزدیک، و به ویژه یکی از پسران

-
1. Mass movement
 2. The Court
 3. Neusner, Jacob, p. 206.
 4. Rubinstein, Avraham, "Hasidism", *Encyclopedia Judaica*, Jerusalem, 1996, vol. 7, p. 1400.
 5. Ibid.
 6. formalization
 7. Reters, F. E., p. 338.
 8. Rubinstein, Avraham, p. 1400.

صدیق جانشینی او را بر عهده می‌گرفت و این چنین بود که سلسله‌های صدیقی باب شدند که در آنها پسر برجای پدر می‌نشست. برای این شیوه جانشینی نیز توجیهی فراهم شد.^۱ بعدها این باور در میان حسدیان رواج یافت که چیزی از فرّه صدیق به پسر او نیز می‌رسد. مبنای این باور این بود که هنگام معاشقه صدیق با همسرش، اندیشه‌های همیشه والای او می‌تواند روح والا و تعالی یافته‌ای را برای سکنی گزیدن در جسم کودکی که نطفه‌اش در آن زمان بسته می‌شود، فرود آورد. به این صورت، نظام جانشینی موروثی صدیقان در حسیدیسم رواج یافت.^۲

با این همه، موروثی شدن جانشینی به اختلاف بر سر آن پایان نداد و اغلب بین سلسله‌های مختلف حسدیان و حتی درون آنها بر سر جانشینی، تنش‌ها و رقابت‌های شدیدی در می‌گرفت. وقتی که مردخای چرنوبیلی از دنیا رفت، هر یک از هشت پسر، و هم چنین دامادهای او سلسله‌های خاص خود را تشکیل دادند.^۳ این رقابت بر سر صدیق شدن، آشکارا نشان از انحراف بسیاری از مدعیان آن دارد و در این زمینه، شولم تأکید می‌کند که بسیاری از صدیقان تشنه قدرت بودند و اگر چه برخی از آنها در کنار قدرت و نفوذ فوق‌العاده خود دغدغه معنویت نیز داشتند، اما بسیاری دیگر بیشتر تنها به نفوذ و اقتدار خود می‌اندیشیدند.^۴ البته معدود افرادی هم بودند که به رغم اقبال حسدیان به آنها، این نقش را نپذیرفتند. برخی از این پیشوایان که نمی‌توانستند این شیوه ستایش را تحمل کنند، نیز جماعت‌های خود را ترک گفتند و طریق انزوا در پیش گرفتند.^۵

ویژگی‌ها و اعمال صدیق

یکی از ملزومات زندگی حسیدی توجه و تعلق خاطر مداوم به خدا، و اخلاص بی‌شائبه نسبت به او است. حسید باید نه تنها در حین انجام آیین‌ها و اعمال دینی خود، بلکه حتی

1. Neusner, Jacob, and Others, *Encyclopedia of Judaism*, Continuum Publishing, 2000, p. 344.
2. Rubinstein, Avraham, p. 1400.
3. Neusner, Jacob and Others, p. 344.
4. Scholem, Gershom, *Major Trends in Jewish Mysticism*, New York, 1961, p. 337.
5. Dan, Joseph, "Hasidim: An Overview", vol. 6, p. 209.

در حال انجام کارهای دنیوی و معمولی مانند غذا خوردن، کار کردن و... نیز به یاد خدا باشد و آن کار را با نیت مقدس، یعنی برای خدا انجام دهد. این آموزه که دوقوت نامیده می شود، بر مبنای این اندیشه استوار است که خداوند حال و ساری در جهان است، هیچ جایی در جهان خالی از خداوند نیست و همه چیز در خداوند است.^۱ یک حسید واقعی نیرو و انرژی الهی را در همه اجزاء و ذرات عالم می بیند. اگر او از عالم با نیت مقدس استفاده کند، حتی خوردن، نوشیدن و دیگر اعمال جسمانی اش نیز عبادت خدا می شوند. اما آیا هر حسیدی از عهده این مهم برمی آید؟ پاسخ عمومی حسیدیان به این پرسش منفی است و ریشه اهمیت آموزه صدیقیسم نیز در همین جا نهفته است. از دیدگاه حسیدیان، در واقع تنها یک صدیق می تواند چنین شرایطی را به جای آورد و حسید تنها می تواند با نزدیک شدن به صدیق یا ربه^۲ خود تا حدی به این آرمان نزدیک شود. صدیق همانند نردبانی میان زمین و آسمان است که مکاشفات عرفانی اش او را به الوهیت مرتبط می کند و دغدغه اش برای مردم و رهبری مشفقانه آنها، او را در زمین نگه می دارد. ریشه اقتدار مطلق صدیق در همین نگاه پیروانش به او نهفته است.^۳

صدیق یا رهبر دینی آرمانی در حسیدیسم، با پیشوای آرمانی سنتی در یهودیت ربانی، که ویژگی اصلی او آشنایی عمیق با تورات بود، به کلی متفاوت است. در این نهضت، شخصیت جای آموزه و تعالیم را می گیرد. دیگر دانش و شناخت تورات در میان ارزش های دینی از جایگاه ممتازی برخوردار نیست. صدیقان بیشتر حامیان باورهای ساده و بی آرایش عوام بودند، تا عقاید دینی پیچیده و دارای محتوای فلسفی و کلامی. آنها این سادگی را به مثابه والاترین ارزش دینی ارج می نهادند.^۴ بعل شم تو و پیروانش از همان آغاز بیشتر دغدغه نزدیکی و تماس با زندگی جماعت پیروان را داشتند و برای این تماس ارزش زیادی قائل بودند.^۵ در هر حال، این زندگی و منش صدیق است که به او ارزش و اعتبار دینی می بخشد، نه دانش او، زیرا وی تجسم زنده تورات است. یکی از پیامدهای

1. Cohn-Sherbok, Dan, *Judaism*, Routledge, 2003, p. 235.

2. Rebe

3. Rubinstein, Avraham, p. 1401.

4. Scholem, Gershom, p. 346.

5. Ibid.

اجتناب‌ناپذیر این جایگزینی این است که آن عمق بی‌پایانی که به تورات و معنای آن نسبت داده می‌شد، اکنون به شخصیت صدیق نسبت داده می‌شود. در نتیجه، هر چند که گروه‌های مختلف حسیدی، مانند حسیدیان لیتوانیایی، لهستانی، روسی و ... ویژگی‌های خاص خود را یافتند، اما این ویژگی‌ها با توجه به شخصیت و منش صدیقی که از او پیروی می‌کردند شکل گرفت، نه بر اساس تعبیر و تفسیر متفاوتی که از تورات داشتند. یعنی تفاوت در شخصیت صدیق عامل تفاوت بین گروه‌ها شد.^۱

صدیق با نورانیت فراگیر و جامعی که از اتحاد عرفانی با خدا به دست می‌آورد، به فرد و جماعت حسیدی نورانیت و روشنی معنوی می‌بخشد. او از این اتحاد، و غنای روحی حاصل از آن برای هدایت مردمان و نزدیک کردن آنها به خداوند استفاده می‌کند. او در خدمت جماعت است، و آمیزه‌ای از یک مرشد اخلاق، اعتراف‌نیوش^۲ و ناصح خیر به شمار می‌آید.^۳

همانطور که شولم خاطر نشان می‌کند، در حسیدیسم شخصیت صدیق اهمیت اساسی دارد و این پدیده‌ای کاملاً جدید در تاریخ یهودیت است. نظریه صدیق، کانون الهیات حسیدی است و نقش مهمی در سازمان اجتماعی حسیدیان و همچنین روش‌های عبادی و آیینی آنها دارد. صدیق وظیفه‌ای دوگانه دارد، که نزدیک کردن انسان‌ها به خدا، و نازل ساختن برکت و رحمت الهی برای آنهاست.^۴ براساس این نظریه، در هر نسلی اشخاص صالحی وجود دارند که می‌توانند با نیایش عرفانی و خالصانه خود گناهان و خطاهای عوام را که از منزلت و توانائی روحانی کمتری برخوردارند، جبران و اصلاح کنند. حسید (پیرو، مرید) تنها از توانائی محدودی برای نزدیک شدن به خدا، انجام تکالیف و اعمال مذهبی دشوار، به ویژه دفع شرور، از جمله افکار و اعمال بد خویش، برخوردار است. پیشوا یا صدیق صالح، که روح او از جایگاهی بسیار والا در قلمرو الوهی نشأت می‌گیرد، کسی است که انجام کار دشوار قرب به خدا را به جای هم نسلان و به ویژه مریدانش، یعنی اعضاء جماعت حسیدی که خود رهبر آنها است، بر عهده می‌گیرد. بنابراین صدیق واسطه

1. Scholem, Gershom, p. 344

2. confessor

3. Rubinstein, Avraham, p. 1400.

4. Ibid, p. 1406

میان حسید یا مرید یا خداست و دعاها و اعمال نیک جماعت پیروانش را به پیشگاه نیروهای آسمانی (سفیروتهای قبالی) می‌برد. او برای گناهان مریدانش طلب و دریافت مغفرت می‌کند و بر اصلاح شرور و بدی‌های درون آنها و تبدیل این معایب به خیر و نیکی، در سرچشمه مشترک خیر و شر در قلمرو الهی تأثیرگذار است.^۱

صدیق خود از هرگونه عیبی مبرا است. او مرد مقدسی است که فکر و ذکرش پیوسته با خدا و به یاد خداست. او دعاها، اندیشه‌ها و اعمال نیک هم دینانش را به سوی خداوند بالا می‌برد.^۲ گناهی که او آنها را به سوی قلمرو الهی بالا می‌برد و اصلاح می‌کند، نه از آن خود او، بلکه از آن پیروان او است.^۳ بر اساس توصیف الیملیخ لیژنسکی^۴، که بزرگترین مدون نظریه صدیق است، عمل اصلاح گناهان به این صورت انجام می‌گیرد که گناهان جماعت به صورت اندیشه‌های بد بر صدیق ظاهر می‌شود و او آنها را پالوده و تبدیل به اندیشه‌های نیک می‌کند. طبق این نظریه، صدیق باید مدام بین خیر و شر، و آسمان و زمین در حرکت باشد (حزقیال ۱:۱۴). او باید به شروری که قرار است اصلاح کند نزدیک باشد و دستخوش فرایند «سقوط»^۵ یا «حقیر شدن»^۶ شود. وقتی که او شر را به سوی قلمرو الوهی بالا می‌برد و آن را تبدیل به خیر می‌کند، در مقام والائی با قدرت‌های الوهی اتحاد می‌یابد. این تحرک و پویایی مشخصه اساسی صدیق است.^۷

صدیق توانائی معجزه دارد و در واقع یک انسان برتر^۸ است. خداوند به او توانائی داده است تا عالم را با دعاهایش اداره کند.^۹ صدیق حتی بر مرگ و زندگی نظارت دارد. ممکن است که خداوند حکم به مرگ کسی کرده باشد، اما دعاهای صدیق موجب لغو این حکم شود، چون روح صدیق چنان پاک و متعالی است که می‌تواند به عوالمی راه یابد که در آن

1. Dan, Joseph, "Hasidim: An Overview", vol. 6, p. 208.

2. Rubinstein, Avraham, p. 1405.

3. Dan, Joseph, "Hasidism: An Overview", vol. 6, p. 208.

4. Elimelekh of Li-zhensk

5. Yeridah (fall)

6. qatnut (smallness)

7. Dan, Joseph, "Hasidim: An Overview", vol. 6, p. 208.

8. Superhuman

9. Neusner, Jacob, p. 208.

هنوز هیچ حکمی صادر نشده است، زیرا در آنجا تنها رحمت حکمفرماست.^۱ مگید مزیرج^۲ در پاسخ به این انتقاد که چرا بسیاری از شخصیت های بزرگ تاریخ یهود از چنین قدرتی بی نصیب بودند، از این تمثیل استفاده می کند که هنگامی که پادشاهی در سفر است، حتی در حقیرترین منزل نیز در صورتی که بتواند در آن بیاساید، فرود می آید، اما وقتی که در کاخ خویش است، تنها در صورتی آنجا را ترک می کند که شاهزاده یا حاکم بزرگی که می داند چگونه شایسته ترین احترامات را تقدیم او کند، از او دعوت به عمل آورد. به همان قیاس، در گذشته یهود معدود افرادی از شایسته ترین کسان می توانستند با روح القدس در ارتباط باشند. اما اکنون که شخینا در تبعید است، خداوند حاضر است در هر روح فارغ از گناهی سکنی گزیند.^۳

صدیق «شالیا صیبور»^۴ (شفاعت کننده نزد خدا) نامیده می شود و باور بر این است که دعاهای او از جانب جماعت یا یکی از مریدانش به درگاه خدا، بسیار مؤثرتر از دعاهای خود آنهاست. دعاهای صدیق می تواند نتایجی به بار آورد که مؤمنان هرگز نمی توانند با دعای خود به آنها دست یابند،^۵ زیرا او به خداوند نزدیک تر است و می تواند بر مشیت الهی تأثیر بگذارد.^۶ یکی از دعاهای مشهور و رایج حسیدیان که صدیق ها در پایان روز سبت می خوانند، این چنین است:

«خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب! اسرائیل، قوم خود را به حق حمد خویش از همه شرور حفظ نما. با خاتمه سبت محبوب و مقدس دعا می کنیم که در هفته پیش رو به ایمانی کامل، ایمان به حکما، عشق به همدینان، دلبستگی به خالق سبحان دست یابیم. امید است که به سیزده اصل ایمان و به نجات، با این امید که به زودی در روزگار ما فرارسد، ایمان داشته باشیم. و امید است

1. Rubinstein, Avraham, p. 1406.

2. Maggid Mezhirech

3. Rubinstein, Avraham, p. 1406.

4. shaliah sibbur

5. Jacobs, Louis, *The Jewish Religion: a Companion*, in [///H:/ideas_belief/kabbalah_and_mysticism.htm](http://H:/ideas_belief/kabbalah_and_mysticism.htm).

6. Cohn, Robert L., "Sainthood", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1995, vol.13, p.4.

که به رستاخیز مردگان و نبوت موسی، آموزگار ما، که درود بر او باد ایمان داشته باشیم. پادشاه جهان! تو آنی که به ناتوان توان می‌دهد! پس به فرزندان یهودی عزیز خود یاری ده که تنها تو را دوست بدانند. باشد که این هفته با خود سلامتی، نیک‌بختی، سعادت، برکت، رحمت، فرزندان، زندگی و رزق و روزی برای ما و همه اسرائیل به ارمغان آورد. آمین!»

این دعای صدیق در حق مریدان، و طلب فرزند، زندگی و رزق و روزی برای آنها، رایج‌ترین دعای صدیقان است و در بسیاری از متون حسیدی یافت می‌شود. با توجه به این دعا، می‌توان گفت که صدیق غیر از نجات معنوی روح مریدان، به آنها وعده برآوردن نیازهای دنیوی اساسی آنها همانند سلامتی، تداوم نسل و خوراک را نیز می‌دهد. در تلمود آمده است که «زندگی، فرزندان و روزی نه بر مبنای شایستگی، که بر اساس "مازال" است.» در متن تلمودی ما زال به معنای شانس^۲ است، اما حسیدیان ما زال را مشتق از ریشه‌ای به معنای جاری شدن^۳ یا سریان یافتن دانسته‌اند و به این صورت، آن را با دیدگاه خود درباره نقش صدیق سازگار کرده‌اند. بر اساس این دیدگاه، حتی اگر شخصی شایستگی برخوردار از سلامتی، رزق و روزی و فرزند را نداشته باشد، ممکن است به خاطر فیض و برکتی که از سوی خداوند و از طریق صدیق به سوی زمین جاری می‌شود، از آن نعمت‌ها برخوردار شود و به این ترتیب، خیر و برکت وجود صدیق ممکن است غیر از مریدان او، به دیگران نیز برسد.^۴

حسیدیان قدرت و تأثیر دعاها را تداوم همان موهبتی می‌دانند که خداوند به انبیاء خود داده بود، یعنی نیرویی به آنان بخشیده بود تا با شفاعت خواستن از او، و دعا به درگاه او مصیبت‌ها را از مردم دور نمایند و خیر و برکت را برای آنان طلب کنند. سلیمان رادوماسکی^۵ با استناد به آیه‌ای از تورات که می‌گوید: «و خدا دو نیر بزرگ ساخت، نیر اعظم را برای سلطنت روز و نیر اصغر را برای سلطنت شب...»، نتیجه می‌گیرد که این دو

-
1. mazal
 2. luck
 3. to flow
 4. Jacobs, Louis, *The Jewish Religion...*
 5. Solomon of Radomask

نیر اشاره به دو نوع صدیق، یعنی صدیقان اعصار پیشین و صدیقان اعصار بعدی اشاره دارد. منظور از نیر بزرگتر که بر روز حاکم است، انبیاء یا صدیقان نسل‌های پیشین است که با قدرت عظیم خود توانستند همه احکامی را که علیه فرزندان اسرائیل بود نقض کنند، و نیر کوچکتر به صدیقان نسل‌های متأخر اشاره دارد، و منظور از شب نیز روزگار تبعید و آوارگی و دوری از سرزمین موعود است. بنابراین صدیقان متأخر نیز می‌توانند با دعای خویش بر سرنوشت جماعات خود تأثیر بگذارند.^۱

البته قدرت معنوی صدیق تنها محدود به مستجاب الدعوه بودن او نیست. از نظر حسیدیان صدیقان ارزش وجودی بسیار والایی دارند و ستون‌های این جهان‌اند که قوام عالم بدان‌هاست. این باور آنها را می‌توان بر گرفته از تلمود دانست، زیرا در تلمود آمده است که قوام عالم به وجود ۳۶ صدیق وابسته است و عالم بدون وجود آنها مضمحل می‌شود.^۲ آنها روزنه‌ها و مجراهایی هستند که از طریق آنها نور عالم ملکوت به زمین می‌رسد و پاداش‌های خداوند بر روی زمین به واسطه آنها تحقق می‌پذیرد.^۳ حسیدیان این باور خود را مبتنی بر بخشی از سفر پیدایش می‌دانند که در آن آمده است:

«و ابراهیم نزدیک آمد و گفت: «آیا عادل را با شریر هلاک خواهی کرد؟ شاید در شهر پنجاه عادل باشند، آیا آن را هلاک خواهی کرد و آن مکان را بخاطر آن پنجاه عادل که در آن باشد، نجات نخواهی داد؟ حاشا از تو که مثل این کار بکنی که عادلان را با شریران هلاک سازی و عادل و شریر مساوی باشند. حاشا از تو! آیا داور تمام جهان، انصاف نخواهد کرد؟» خداوند گفت: «اگر پنجاه عادل در شهر سدوم یابم، هر آینه تمام آن مکان را به خاطر ایشان رهایی دهم.» ابراهیم در جواب گفت: «اینک من که خاک و خاکستر هستم، جرأت کردم که به خداوند سخن گویم. شاید از آن پنجاه عادل، پنج کم باشد. آیا تمام شهر را بسبب پنج، هلاک خواهی کرد؟» گفت: «اگر چهل و پنج در آنجا یابم، آن را هلاک نکنم.» بار دیگر بدو عرض

1. Jacobs, Louis, *The Jewish Religion*...

2. Wigoder, Geoffrey (ed.), *The New Encyclopedia of Judaism*, New York University Press, 2002, p.786.

3. Jacobs, Louis, *The Jewish Religion*...

کرد: «هرگاه در آنجا چهل یافت شوند؟» گفت: «به خاطر چهل آن را نکنم.»
گفت: «زنهار غضب خداوند افروخته نشود تا سخن گویم. شاید در آنجا
سی پیدا شوند؟» گفت: «اگر در آنجا سی یابم، این کار را نخواهم کرد.»
گفت: «اینک جرأت کردم که به خداوند عرض کنم. اگر بیست در آنجا
یافت شوند؟» گفت: «به خاطر بیست آن را هلاک نکنم.» گفت: «خشم
خداوند، افروخته نشود تا این دفعه را فقط عرض کنم، شاید ده در آنجا
یافت شوند؟» گفت: «به خاطر ده آن را هلاک نخواهم ساخت.»^۱

حسیدیان معتقدند که با توجه به این ماجرا می توان به چند نتیجه رسید: اول اینکه
یک صدیق (در اینجا حضرت ابراهیم) می تواند برای جهان نزد خدا شفاعت کند و حتی
در مورد آن با او به بحث پردازد. دوم اینکه، جهان برای بقای خود در برابر خشم و غضب
الهی، در هر زمانی حداقل به وجود ده صدیق نیازمند است، چون به یقین جهان امروز
بسیار شرارت‌بارتر از سدوم در عصر ابراهیم است. سوم اینکه، مادامی که ده صدیق در
جهان حضور داشته باشند، آنها می توانند جلو خشم خدا را بگیرند و مانع ویرانی جهان
بدست او شوند.

با توجه به این باورهاست که می توان به قداست فوق العاده صدیق برای حسیدیان
پی برد. حتی غذایی که او چشیده و اذکاری بر آن جاری کرده است، سرشار از قداست و
قدرت روحانی تصور می شود و از همین رو، مؤمنان بسیار مشتاق کسب و صرف آن‌اند.
حتی این باور در میان حسیدیان رواج دارد که اشیاء مربوط به صدیق از جمله تفیلین و
حتی قلیان یا لباس های کهنه او می تواند برای خانه ای که در آن نگهداری می شوند، خیر
و برکت به ارمغان آورد.^۲

بخش مهمی از ادبیات حسیدی مربوط به داستان معجزات و کرامات صدیقان و احوال
مربوط به آنهاست. نخست باور بر این بود که بازگ کردن داستانهای مربوط به صدیقان،
نیروهای معجزه‌آفرین، شیوه عبادت و نیایش آنها عملی بسیار ارزشمند و صواب است.

۲. پیدایش، ۱۸: ۲۴-۳۳.

2. Jacobs, Louis, *The Jewish Religion...*

حتی باور براین بود که عنصری شبه جادویی در این عمل وجود دارد و موجب احیاء و تقویت نیروهای معجزه‌آفرین صدیقان برای گوینده و شنوندگان او می‌شود.^۱

مخالفتان حسیدیسم باور حسیدیان به صدیق را هدف مناسبی برای حملات خود می‌دانند و با این بهانه آنها را متهم به شرک و بت پرستی می‌کنند. اما حسیدیان همواره تأکید می‌کنند که صدیق هیچگاه مورد پرستش آنها نیست و آنها تنها برای او احترام فوق‌العاده‌ای قائل‌اند. برخی از جماعت‌های اعتدالی‌تر حسیدیسم نیز بیشتر بر نقش هدایت‌گری صدیق تأکید دارند، تا به معجزات و کرامات او. اما برخی از صدیقان، بیش از هر چیز به سبب کرامات و معجزاتی که به آنها نسبت داده می‌شود شهرت دارند و برخی نیز مرشد معنوی‌اند و می‌توانند در پیشرفت روحانی مریدانشان تأثیر زیادی داشته باشند. اما حقیقت این است که هیچ‌یک از جماعات حسیدی درباره این دو نقش یا توانایی صدیق خود تردیدی ندارند.^۲

رابطه صدیق با حسیدان خود

جنبش حسیدی و تأکید آن بر اهمیت و جایگاه صدیق برای یهودیانی که از فقه‌گرایی و نخه‌گرایی ربی‌ها ناخرسند بودند، جذابیت زیادی داشته است. حسیدیان، صدیقان را تجسم انسانی و زنده تورات می‌دانند^۳ و به همین دلیل شیوه زندگی و رفتار صدیق از هر نظر برای مرید او مهم، و حتی مهمتر از تعالیم او است. مشهور است که ربی لیب^۴، یکی از مریدان داو بائر مزیریچی^۵، تنها برای این به دیدار مرشدش رفت که ببیند که او چگونه بند کفش‌هایش را می‌بندد و باز می‌کند.^۶ بنابراین، دیدار با صدیق برای حسیدیان بسیار مهم است و آنها سعی دارند از هر فرصتی برای کسب فیض از حضور او بهره ببرند. مرید تنها از طریق رابطه نزدیک

-
1. Neusner, Jacob and Others, p. 345.
 2. Jacobs, Louis, *The Jewish Religion...*
 3. Cohn, Robert L., vol. 13, p. 4.
 4. Rabbi Leib
 5. Dov Ber of Mezhrich
 6. Scholem, Gershom, p. 344.

با صدیق می‌توانند به خدا نزدیک شود. او تنها با مشاهده رفتار صدیق در همه امور زندگی می‌تواند چگونگی بندگی و عبادت خدا را بیاموزد.^۱

در سال‌های آغازین شکل‌گیری حسیدیسم صدیق‌ها مسافرت‌های گسترده‌ای داشتند و خود به دیدار مریدانشان می‌رفتند، اما از آغاز قرن نوزدهم دست از مسافرت برداشتند و اغلب در خانه خود به کسانی می‌پرداختند که از آنها التماس دعا و طلب راهنمایی داشتند.^۲ هر صدیقی درگاه خود را داشت، که مرکز تجمع مریدان بود و آنها برای نزدیک شدن به او و کسب فیض از حضور او به آنجا مسافرت می‌کردند. حضور در درگاه صدیق برای فرد حسیدی هم زیارت، و هم تجدید عهد با برادران دینی حاضر در درگاه که صدیق محور اتحاد آنها است، به شمار می‌آید. حسیدیان دست کم در ایام اعیاد بزرگ برای برخوردارگی از موهبت و فیض وجود صدیق به زیارت درگاه او می‌روند،^۳ اما رفتن به خدمت صدیق محدود به این روزهای خاص نیست. در واقع یکی از نقدهای مهم بر حسیدیان این است که در میان آنها مردان جوان و متأهل برای مدت‌های طولانی زن خود را تنها می‌گذارند و به خانه صدیق می‌روند، تا نزدیک او باشند؛ کاری که برخلاف شریعت یهود است.^۴

بدین ترتیب، صدیق مرکز و محور جماعت حسیدی است. درگاه او در طول سال محل ملاقات‌های عمومی مریدان است. آنها شکوه‌ها و درخواست‌های خویش را در اتاق او مطرح می‌کنند اطمینان دارند که تبرک او تضمین‌کننده موفقیت دینی و دنیوی‌شان است. حسیدیان گرد صدیق جمع می‌شوند تا به دعاها و مواعظ وی گوش کنند، او را با نیت خالص قبلائی بستایند و به تکالیف دینی خود با شور و شوق عمل کنند. مرید حسیدی در درگاه پیر خود نوعی پارسایی و ایمان پرشور و شوق را می‌یابد، و با انسانی روبرو می‌شود که به باور او عمیق‌ترین و پنهان‌ترین افکار و نیازهای او را می‌فهمد. آنها بر این باورند که صدیق می‌تواند پیش خداوند برای مریدان خود شفاعت کند و آنها را تعالی روحانی بخشد.^۵ به این صورت عمل پالودن شرور از دوش فرد یهودی برداشته می‌شود و به صدیق، به عنوان نماینده جماعت

1. Neusner, Jacob, and Others, p. 344.
2. Jacobs, Louis, *The Jewish Religion*...
3. Rubinstein, Avraham, p. 1400 .
4. Neusner, Jacob and Others, p. 345.
5. Cohn, Robert L., vol. 13, p. 4.

و واسطه میان زمین و آسمان محوّل می‌گردد.^۱

مریدان نیز در قبال صدیق وظایفی دارند. آنها باید از وی حمایت معنوی کنند. ایمان آنها به نقش فوق انسانی وی، او را در انجام اعمال معنوی اش یاری می‌دهد. همچنین آنها باید همه نیازهای روزمره صدیق و خانواده اش را برآورده سازند تا او وقت خود را صرف این‌گونه مشکلات نکند.^۲

هرگاه که یک حسید به درگاه صدیق خویش می‌رود، از طریق خادم یا مباشر صدیق یک کویتل^۳ (تکه‌ای کاغذ نوشته شده) و یک پیدیون نفیش^۴ (نجات روح) به دست او می‌رساند. مرید در کویتل نام خود و مادرش را نوشته و حادثه‌ترین نیازهای مادی و معنوی خود را به اطلاع صدیق می‌رساند، تا برای برآوردن آنها دعا کند. البته آنها غیر از طلب دعا از صدیق خود، یک سگولت^۵ را نیز طلب می‌کردند که در حقیقت ذکر یا وردی برای کسب موفقیت یا شفا از بیماری است. پیدیون نفیش نیز مبلغی پول است که مرید برای تأمین بخشی از مخارج زندگی صدیق و خانواده اش به او می‌پردازد. در واقع مریدان باید از نظر مالی حامی صدیق خود باشند. توجیه رایج این کمک مالی به صدیق این است که او اگر چه خودش به هیچ چیزی نیاز ندارد، اما مریدان او تنها با وقف بخشی از مال خود به او می‌توانند با او ارتباط واقعی برقرار کنند.^۶ شرط مستجاب شدن دعاها صدیق در حق مریدانش این است که نوعی رابطه و پیوند مالی بین صدیق و حسید وجود داشته باشد.^۷ بنابراین، این کمک مالی نه برای صدیق، بلکه به نفع همان کسانی است که از مزیت یاری‌رسانی به او برخوردار می‌شوند. زیرا به این ترتیب، صدیق به سبب محبتی که به مریدان دارد می‌پذیرد که به آنها وابستگی پیدا کند و به این صورت نوعی ارتباط بین آنها و صدیق برقرار می‌شود. به این ترتیب، اموال مریدان از آن صدیق می‌شود و دعاها و دعاها او در حق آنها بیشتر و زودتر مستجاب

1. Dan, Joseph, "Hasidism: An Overview", vol. 6, p. 209.

2. Ibid.

3. kvittel

4. pidyon nefesh

5. Segullat

6. Jacobs, Louis, *The Jewish Religion...*

7. Neusner, Jacob and Others, p. 346.

می‌گردد.^۱ البته در برخی از جماعت‌های حسیدیسم باور بر این است که صدیق باید شکوه شاهانه‌ای داشته باشد و این نشانه گسترده‌گی و وسعت مجرای خیر و برکتی است که به واسطه او از حق به خلق می‌رسد. همچنین گفته می‌شود که قسمت زیادی از این پول صرف امور خیریه می‌شود.^۲

با این همه، اهداء پول به صدیقان مورد اعتراض مخالفان حسیدیسم قرار گرفته است و در برخی از موارد نیز موجب انحرافات در میان جماعت‌های حسیدی شده است. اما حسیدیان نیز در مقابل، در عهد عتیق توجیهی یافته‌اند. در کتاب اول سموئیل گفتگوئی بین شاول و خادم او آمده است که در آغاز آن خادم شاول به او می‌گوید:

«... "اینک مرد خدایی در این شهر است و او مردی مکرم است و هر چه می‌گوید البته واقع می‌شود. الآن آنجا برویم؛ شاید از راهی که باید برویم ما را اطلاع بدهد." شاول به خادمش گفت: "اینک اگر برویم، چه چیزی برای آن مرد ببریم؟ زیرا نان از ظروف ما تمام شده است، و هدیه‌ای نیست که به آن مرد خدا بدهیم. پس چه چیز داریم؟" و آن خادم باز در جواب شاول گفت که "اینک در دستم ربع مثقال نقره است. آن را به مرد خدا می‌دهم تا راه ما را به ما نشان دهد." ... و شاول به خادم خود گفت "سخن تو نیکوست. بیا برویم" پس به شهری که مرد خدا در آن بود رفتند.»^۳

منظور از مرد خدا در این متن سموئیل است که بنا به متن عهد عتیق (اول سموئیل ۳:۲۰) از انبیاء بنی اسرائیل بوده است.

یکی از آیین‌های رایج در میان همه حسیدیان، که در درگاه صدیق انجام می‌شود، توزیع شراییم^۴ است. شراییم خوراکی مقدسی است که در روز سبت و دیگر اعیاد مذهبی روی سفره صدیق گذاشته می‌شود، او اورادی را بر آنها می‌خواند و پس از آن، از هر یک از آنها مقداری می‌خورد. حسیدیان برای باقی مانده این خوراکی‌ها قداست بسیار زیادی

1. Rubinstein, Avraham, p. 1406.

2. Jacobs, Louis, *The Jewish Religion*,...

۴. اول سموئیل، ۹: ۶-۱۰.

4. shraeim

قائل‌اند و بر این باورند که خوردن آن نیز به فرد قداست می‌بخشد. هنگامی که این خوراکی‌ها روی سفره مخصوص گذاشته می‌شود، حسیده‌های حاضر به دور آن حلقه می‌زنند و به بخش‌هایی از تورات که صدیق می‌خواند، در سکوت و با توجه کامل گوش می‌دهند. سرانجام سماع شروع می‌شود و آنها به خواندن سرودهای مذهبی و بعد رقصی عبادی می‌پردازند، که ستایش شادمانه و مستانه خداوند پنداشته می‌شود.^۱ همانطور که شربوک خاطر نشان می‌کند، حسیدیسم برخلاف سنت و جنبش‌های عرفانی پیشین یهود، رقص و آوازخوانی را نوعی عبادت می‌داند که می‌تواند حسید را غرق شور و جذبه کند.^۲

در پایان مراسم روز سبت و دیگر اعیاد، صدیق به موعظه و ارشاد مریدان خود می‌پردازد. کتاب‌ها و رسالات زیادی به صدیقان منسوب است که تنها شمار اندکی از آنها به دست ایشان نوشته شده است و بیشتر آنها یادداشت‌هایی هستند که مریدان از سخنان صدیق خود، به‌ویژه در زمان بسیار معنوی و روحانی صرف وعده سوم غذای سبت، برداشته‌اند. حسیدیان باور داشتند که ربه در این مواقع تحت تأثیر الهام بوده است و ربه نیز پس از آن اقرار می‌کند که آن حرف‌ها از آن او نبوده و در واقع خود اصلاً نمی‌داند که چه گفته است. در واقع تعالیم صدیق اغلب به دو صورت ارائه می‌شود: تفسیر و تشریح آموزه‌های کتاب مقدس که اغلب با چشم باز انجام می‌دهد، و تعالیم باطنی درباره روح و دیگر مضامین عرفانی که با چشمان بسته و اغلب در حالت جذبه و خلسه ادا می‌شود.^۳

منابع

- Bowker, John (ed.), *The Oxford Dictionary of World Religions*, Oxford University Press, 1997.
- Brown, Benjamin, "Orthodox Judaism", *Blackwell Companion to Judaism*, Jacob Neusner and Alan J. Avery-Pack (eds.), Massachusetts, Blackwell, 2000.

1. Neusner, Jacob and Others, p. 346.
 2. Cohn-Sherbok, Dan, p. 235.
 3. Neusner, Jacob and Others, p. 346.

- Cohn, Robert L., "Sainthood", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Cohn-Sherbok, Dan, *Judaism*, London, Routledge, 2003.
- Dan, Joseph, "Hasidism: An Overview", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Idem, "Besht", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Gilman, Neil, "Contemporary Jewish Theology", *Blackwell Companion to Judaism*, Jacob Neusner and Alan J. Avery-Peck (eds.), Massachusetts, Blackwell, 2000.
- Jacobs, Louis, *The Jewish Religion: A Companion*, Oxford University Press, 1995.
- Neusner, Jacob, and Others, *Encyclopedia of Judaism*, New York, Continuum Publishing, 2000.
- Neusner, Jacob, *Judaism: An Introduction*, London, Penguin Books, 2002.
- Reters, F. E., *The Monotheists, Jews, Christians and Muslims in Conflict and Competition*, Princeton University Press, 2003.
- Rubinstein, Avraham, "Hasidism", *Encyclopedia Judaica*, Jerusalem, 1996.
- Scholem, Gershom, *Major Trends in Jewish Mysticism*, New York, Textbook Publishers, 1961.
- Wigoder, Geoffrey (ed.), *The New Encyclopedia of Judaism*, New York University Press, 2002.